نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم – شماره ۹۹۷

سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



بوشهر و میهمانان نوروزی

عادی شدن امر فلاکت؛ مرزهای آنومیک نزدیک است

سجاد بهزادی

اعتراض جمعی از رزمندگان، معلمان، فعالان اجتماعی، روزنامه نگاران و نویسندگان استان بوشهر به حکم ۲۰ سال زندانی برای معلم رزمنده «حسین روئین تن»

از زندانی شدن یک شهروند دلسوز، روزنامه نگار صادق و معلم رزمنده جلوگیری کنید

مصاحبه نسیم جنوب با هنرمند نقاش، دکتر نرجس حسینی:

نقاشی؛ تقویت لبخند به زندگی است

ضیافت ماه مبارک رمضان در بندر بوشهر قدیم

شهادت دو مامور پلیس در حادثه تیراندازی دیلم

به بهانهٔ قتل ٤ همخدمتی به دست یک سرباز در بوشهر:

«چرا کشته شدند» مهم‌تر از «چرا کشت»

به یاد و خاطره مهندس محمد جعفر فرح

یک سال است که طنین صدای گرم مهربانت در خانه نمی پیچد

همسر نازنینم پدر اختر چرخ فلکم، پروینم

در تاریکی چشم هایت را یافتم و شبم پر ستاره شد با تو شب تاریکم سحر شد و خورشید درخشید. با تو زمستانم بهار شد .

نازنینم، درخت با جنگل سخن می‌گوید، ستاره با کهکشان و من با تو سخن می گویم .

پیش از آن که در اشک غرقه شوم چیزی بگو

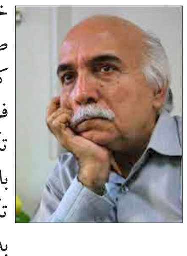
پس کی به سخن بازآیی ؟

یادش مانا و خاطراتش جاویدان

«پروین فرح زاده – شعله شش بلوکی»

افزایش ۵۰ درصدی بیمه تکمیلی در مقابل ۳۰ درصد خدمات

حسین حشمتی



خبر خوش اول سالی صندوق بازنشستگی کشوری این است که از فروردین ماه ۱۴۰۱حق بیمه تکمیلی بخوانید "تحمیلی" بازنشستگان و عائله تحت تکفل آنان از ۳۰هزار تومان به۴۵ هزارتومان افزایش یافته و در مقابل خدمات نامشهود آن، ۳۰ درصد اضافه خواهد شد. خدماتی که هیچ وقت بر اساس درصد ادعائی بازدهی نداشته است زیرا طی سالهای متمادی گذشته که شرکت بیمه ی آتیه ... در ازای دریافت میلیاردها تومان دستمزد، تنها وظیفه محاسبه هزینه های درمانی بازنشستگان کشوری را عهده دار باشد، آن هم محاسبه ای که دقیقا مشخص نبوده و نیست در نهایت چند درصد از مدارک پزشکی را که قبول کرده و تحویل گرفته است به کارفرمای خود اعلام می کند تا صندوق هم معادل ریالی آن را به حساب بازنشسته واریز نماید. و این در حالی است که مسئولان شرکت محاسبه گر مدعی است ۱۵روز پس از دریافت مدارک به تعبیر خودش (مثبته) ۷۰ درصد هزینه های کارشناسی شده را به صندوق اعلام می نماید تا به حساب بازنشسته واریزگردد. نگارنده را عقیده بر این است که در این مورد خاص، جای مدت و درصد با یکدیگر عوض شده است به این ترتیب که ۱۵ درصد هزینه های بیمارستانی یا درمان سرپائی پس از گذشت حداقل ۷۰ روز به حساب بازنشستگان واریز می شود!

ناگفته و نانوشته مشخص است که وقتی هر دو طرف مجریان یعنی بیمه سلامت و بیمه ی تکمیلی، زیر مجموعه ی دستگاه عریض و طویل دولت هستند آنچه به حساب نمی آید، رفاه و سلامتی بازنشستگانی است که حداقل ۳۰ سال از بهترین دوران جوانی خود را در سخت ترین شرایط و در بد آب و هواترین نقاط جغرافیائی کشور گذرانیده و درصد قابل توجهی از حقوق زمان اشتغال آنان کسر و به صندوق پرداخت شده است.

در نارضایتی بازنشستگان تحت پوشش موسسات مورد بحث که آخرین اعتراض خویش را سال پیش در جلوی ساختمان مرکزی صندوق به گوش مسئولان رسانیدند تردیدی نیست اما پرسش اساسی این است که با وجود شرکت های بیمه کارآمد خصوصی و این همه ثروت های انباشته تحت اختیار صندوق، چرا باید امور درمانی پایه و مثلا تکمیلی بازنشستگان، مونوپل دستگاههای دولتی باشد؟ امیدوارم روابط عمومی صندوق بازنشستگی کشوری پاسخ قانع کننده ای به این سئوال بدهند.

معاون استاندار بوشهر:

۸۹۲ هزار خودرو در نوروز وارد این استان شد

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری بوشهر گفت: از ابتدای تعطیلات نوروز ۲۷ اسفند ۱۴۰۰ تا ۱۳ فروردین سالجاری ۸۹۲ هزار خودرو وارد این استان شد.

به گزارش ایرنا، روابط عمومی استانداری بوشهر به نقل از محمد هادی رستمیان اعلام کرد: اقدام و عملکرد دستگاه‌های خدمت‌رسان و اجرایی در ایام نوروز ۱۴۰۱ در استان بوشهر رضایت بخش است. بر اساس نظرسنجی انجام شده بسیاری از مسافران نوروزی از خدمات ارائه شده در استان بوشهر راضی بوده و این استان را برای سفرهای بعدی خود انتخاب می کنند.

شهادت دو مامور پلیس در حادثه تیراندازی دیلم





در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی این که یک دستگاه خودرو وانت پراید به صورت مشکوک در خیابانی در شهر امام حسن دیلم پارک شده است، گشت کلانتری بخش امام حسن سریع برای بررسی موضع به محل اعزام شدند به محض حضور عوامل انتظامی در صحنه، فردی با اسلحه کلاشینکف به سمت ماموران تیراندازی کرد و با استفاده از تاریکی شب متواری شد.

بر اثر درگیری گشت انتظامی پلیس با سارق مسلح در بندر امام حسن، سرباز وظیفه ستوان سوم «سید نوید موسوی» بر اثر اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نائل آمد و ستوان‌یکم انتظامی «جلیل دازه» به دلیل جراحت وارده به بیمارستان گناوه انتقال یافت و تحت درمان بود که بعد از چند روز وی نیز به خیل همرزمان شهیدش پیوست. شهید دازه متولد شهر برازجان شهرستان دشتستان استان بوشهر بوده است. آیین تشییع شهید سید نوید موسوی در بوشهر برگزار شد و سپس برای خاک‌سپاری به زادگاه خود در استان کهگیلویه و بویراحمد منتقل شد.

آیین تشییع پیکر مطهر سرگرد جلیل دازه با حضور اقشار مختلف مردم استان بوشهر در شهر برازجان برگزار شد. به گزارش ایرنا، فرمانده نیروی انتظامی استان بوشهر در حاشیه این آیین به ایرنا گفت: امروز شاهد تشییع باشکوه یکی از سربازان رشید نیروی انتظامی در شهر برازجان هستیم.

سردار حیدر سوسنی یادآور شد: در تاریخ نهم فروردین ساعت ۹:۳۰ شب تماسی با ۱۱۰ مبنی بر مزاحمت یک نفر برای چند خانواده در شهر امام حسن شهرستان دیلم با پلیس برقرار شد که با حضور همکاران ما درصحنه این سارق مسلح با اسلحه کلاشنیکف دو نفر از مامور را مورد هدف قرار داده و شهید می کند.

وی یادآور شد: سارقی که مرتکب این جنایت شده است، دارای ۲۵ فقره سرقت مسلحانه بوده و از شروران منطقه است. بلافاصله تیمهای عملیاتی تشکیل شد و با اشراف اطلاعاتی تیم های عملیاتی و تعقیب و گریز در روستاهای گناوه کمتر از ۲۴ ساعت متهم دستگیر و تحویل مقامات قضایی شد.

مردی در گناوه همسر و مادر همسرش را کشت

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: مردی که بر اثر اختلاف خانوادگی در شهرستان گناوه همسر و مادر همسر خود را به قتل رسانده بود، اندکی پس از وقوع قتل، در تیراندازی به سمت ماموران پلیس و تبادل آتش کشته شد. سردار حیدر سوسنی اظهار کرد: در حدود ساعت ۴۰ دقیقه بامداد در پی وقوع یک فقره قتل با اسلحه در یکی از خیابان‌های شهر گناوه، بلافاصله تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی و مأموران انتظامی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند که مشخص شد مردی ۲۳ ساله به علت اختلافات خانوادگی با همسر، برادر و مادر همسر خود، آن‌ها را با یک قبضه کلت کمری مورد شلیک گلوله قرار داده است. سرانجام با بررسی‌های میدانی پلیس، مرگ همسر ۱۶ ساله و مادر همسر ۵۱ ساله قاتل که به وسیله نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شده بودند، از سوی کارشناسان اورژانس تأیید و برادر همسرش نیز مجروح و تحت درمان است. بلافاصله پس از وقوع این حادثه، طرح مهار در راستای دستگیری قاتل مورد نظر در سطح شهرستان گناوه و دیلم اجرا و قاتل متواری که قصد خروج از استان را داشت، در یک درگیری و تیراندازی به سمت ماموران انتظامی در ایستگاه «بی بی حکیمه» شهرستان دیلم، مجروح و به علت شدت جراحات کشته شد. قاتل با همسر و خانواده او اختلافات خانوادگی داشته است که در روز حادثه نیز به همین دلیل، با آن‌ها درگیر شده و با شلیک اسلحه آنان را به قتل رسانده است./ایسنا

آینده درخشان در انتظار تیم فوتبال مدرسه سپاهان عالیشهر

احمد حسن ابراهیمی مربی مدرسه فوتبال سپاهان عالیشهر و مربی اسبق باشگاه شاهین و پاس در مورد عملکرد و تاریخ تیم فوتبال مدرسه سپاهان عالیشهر گفت: مدت قدمت این باشگاه دوازده سال می باشد که بازیکنان بزرگی را نیز در زمینه فوتبال تربیت کرده است. انشاءالله سال جدید حرکت بسیار بزرگی در باشگاه رخ خواهد داد از جمله این باشگاه و یک باشگاه بزرگ لیگ برتری تفاهم نامه ای در زمینه برادرخواندگی امضاء خواهند کرد تا استعداد برتر باشگاه برای رشد این نونهالان انتقال داده شود.

وی افزود: من به مدت پنج ماه می باشد که کنار این چهره ها کار می کنم و استعدادهای نابی هم از نظر انضباطی هم از نظر تاکتیکی و تکنیکی مشاهده کردم که انشاءالله در آینده نام خیلی از این عزیزان در فوتبال شاهد خواهیم بود.

هم چنین با مدیریت خوب مالک باشگاه علی مرادی و مدیر باشگاه ستار خواجه و نظارت مربیان بزرگی همچون نعمت امین نژاد، عادل نصاری، مهدی جمشیدی، صالح دسترس، اسکندری، گل چمن، محمود صابری وعلی سلیمانی مرد زحمت کش این مجموعه، باهمدلی در کنار هم روزهای بهتری برای این باشگاه رقم خواهد خورد.



«محمود آرامش» سرمربی شاهین شهرداری بوشهر شد



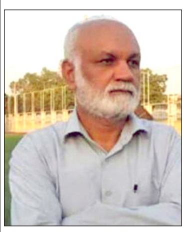
«مهدی جوهری» سرپرست تیم بزرگسالان و «محمود آرامش» به عنوان سرمربی تیم بزرگسالان شاهین شهرداری بوشهر معرفی شدند.

با اعلام سعید مسیگر مدیریت باشگاه «محمود آرامش» به عنوان سرمربی تیم بزرگسالان شاهین شهرداری بوشهر منصوب شد.

«محمود آرامش» پیشکسوت تیم شاهین در دهه ۷۰ سابقه سرمربیگری در تیم شاهین بندر عامری در لیگ‌های دسته ۳ و دسته ۲ را در کارنامه خود دارد.

لزوم مشاوره به بازیکنان بومی حاضر در لیگ های داخلی و خارجی

عبدالباقی صداقت



با توجه به کشف استعدادهای درخشان ورزشی و علی الخصوص فوتبالی در میان نونهالان، نوجوانان و جوانان هم استانی و حضور موفق آنان در لیگ های مختلف فوتبال کشور و جهان، تشکیل بخشی تحت عنوان گروه مشاورین ورزشی در کنار این بازیکنان شاخص و مطرح ضروری به نظر می‌رسد تا در زمینه های فنی، اخلاقی و منش پهلوانی آنان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و قبل و بعد از حضور در باشگاههای داخل و خارج کشور آموزش های لازم را به بازیکنان گوش زد کرده و آنان را به عنوان سفیرانی با دانش فنی و اخلاقی راهی خارج از استان نمایند.

با توجه به کم تجربه بودن بازیکنان و امکان تصمیم گیری های عجولانه و غیرمنطقی آنان، حضور کارشناسان خبره در امر مشاوره در جهت راهنمائی و تصمیم گیری های صحیح، منطقی واخلاقی ضروری به نظر می رسد.

امیدوارم مسئولین ورزشی استان به این موضوع مهم توجه خاصی داشته باشند و به صورت ویژه پیگیری نمایند.

نتیجه چنین برنامه ریزی، حضور موفق و تاثیر گذار بازیکنان بومی و هم استانی در لیگ های مختلف داخل و خارج کشور همراه با آرامش و اخلاق پهلوانی و جوانمردی و همچنین سربلندی و موفقیت فوتبال استان خواهد بود.

گردشگری تجاری در استان بوشهر تقویت می‌شود

استاندار بوشهر یکی از ظرفیت‌های گردشگری استان را بازار کالاهای تجاری دانست و گفت: در این راستا گردشگری تجاری در استان تقویت می‌شود. احمد محمدی‌زاده یکی از ظرفیت‌های گردشگری استان را بازار کالاهای تجاری دانست و گفت: راه‌اندازی بازار کالاهای تجاری یکی از برنامه‌های مهم است که در این راستا گردشگری تجاری در استان تقویت می‌شود.

به بهانهٔ قتل ٤ هم‌خدمتی به دست یک سرباز در بوشهر؛

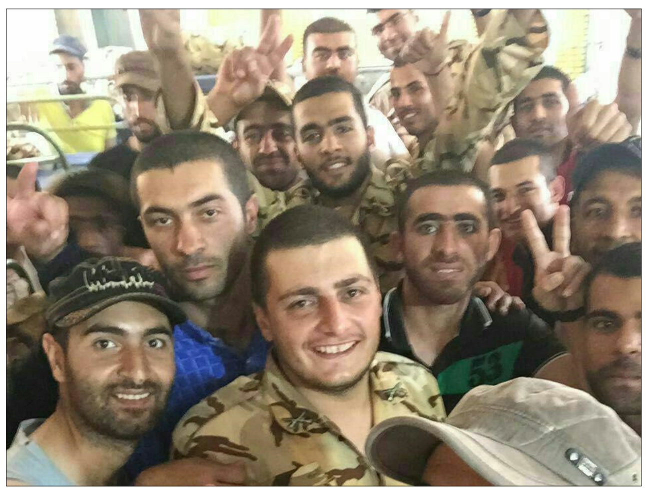
«چرا کشته شدند» مهم‌تر از «چرا کُشت»

مهرداد خدیر

در آستانهٔ سال نو سربازی در یکی از پادگان‌های بوشهر ۴ هم‌خدمتی خود را کُشت و گریخت و البته آخرین خبرها حاکی از بازداشت او در کوه‌های اطراف دیلم است.

در آغاز حدس زده می‌شد این اقدام جنون‌آمیز ناشی از شدت فشار ناشی از نرفتن به مرخصی یا مخالفت با تقاضای او بوده باشد و یک لحظه خون جلوی چشم‌های او را گرفته و دست به این جنایت زده است. سازمان قضایی نیروهای مسلح اما در اطلاعیه‌ای این ادعا یا تصور را تکذیب و نظر نهایی را به پایان تحقیقات موکول کرده و تبلیغات رسمی هم بر این تأکید دارد که این اقدام در پی اختلاف شخصی بوده است؛ چیزی در مایه های خطای خلبان در سقوط هواپیما یعنی ربطی به هیچ مناسباتی ندارد و انگار نه در پادگان که در خیابان، کشته حال آن که آن چه خبر را متفاوت و متمایز می کند سرباز بودن قاتل و مقتولان و البته جغرافیای محل ارتکاب جرم «پادگان» است.

از این‌رو می توان پرسید این موضوع که چرا ۴ سرباز باید در محیط پادگان که تحت کنترل و فرماندهی است کشته شوند مهم‌تر است یا این که سرباز قاتل، کینه‌ورزی کرده و مشکل شخصی داشته است؟



بدین ترتیب اصرار بر این است که گفته شود ربطی به فرماندهان نداشته تا برگهٔ مرخصی داده یا نداده باشند و مشکل شخصی داشته است.

بر پایهٔ صحت این گزاره هم این سؤال باز جا دارد که اگر در اختیار دادن سلاح مرگ‌بار به خاطر دیدبانی یا نگهبانی یا هر موضوع دیگر اجتناب‌ناپذیر و اقتضای این مسؤولیت است، نیاز به مراقبت و پایش ندارد؟

اگر برادر یا فرزند ما یکی از همین ۴ نفر باشد چقدر این خبر که قاتل، مشکل شخصی داشته تسکین می‌بخشد؟ نخواهیم پرسید چگونه می‌توان اطمینان کرد سلاح واقعی باز دست این جور آدم‌ها با آستانهٔ تحمل پایین نیست؟

آیا اگر به اتاق فرماندهان یورش می‌برد و به جای ۴ سرباز ۱۰ درجه‌دار را فی‌المثل نفر می‌کشت اطلاق عنوان «شهید» به آنان و اعلام مشکل شخصی قاتل آیا کفایت می‌کرد یا ریشهٔ مشکل را باید در نوع مناسبات حاکم بر پادگان محل خدمت و احتمالا پاره‌ای کوتاهی‌ها یا فشار روحی فوق طاقت جوان جُست؟

به این بهانه می‌توان نکاتی را متذکر شد:

۱. اگر این اتفاق در یکی از ایالت‌های آمریکا رخ داده بود صدا و سیما تا از این واقعه به نتیجهٔ فروپاشی اخلاقی و زوال امپریالیسم و سقوط سرمایه داری منحط غرب و نتیجهٔ طبیعی آزادی سلاح یا حتی تلاش ناتو برای نزدیک شدن به روسیه نمی‌رسید دست‌بردار نبود! در این فقره اما تأکید برخی بر مشکل شخصی است در حالی که سازمان قضایی نیروهای مسلح هم هنوز نتیجهٔ نهایی را اعلام نکرده است.

۲. با فرض مشکل شخصی سرباز قاتل با سربازان مقتول هم آیا نمی‌تواند ناشی از تحقیر مستمر باشد که احتمالا از نقطه‌ای دیگر با فرهنگی متفاوت آمده بوده و طاقتش طاق شده است؟

۳. تبلیغات رسمی چنان با هم بسیج شدند که انگار این سربازان سرخود سلاح داشته‌اند و کسی و فرماندهی بالای سر آنها نبوده است. در حالی که اصل موضوع کشته شدن ۴ سرباز است که با احتمال اعدام قاتل شمار آنان به ۵ نفر می‌رسد.

همان طور که مدیریت زندان مسؤول نجات جان زندانی است و مدیران مدارس مراقب بچه‌ها هستند و داور مسابقهٔ فوتبال سلامت بازیکن را بر هر امر دیگر ترجیح می‌دهد خانواده های این ۴ سرباز هم جگرگوشه هاشان را تحویل پادگان داده بودند و این که سربازی دیوانه بوده یا نه، عصبی شده یا نه، مشکل شخصی داشته یا نه از مسؤولیت آنان و رنج تحویل جنازهٔ عزیزان در عید نوروز نمی کاهد.

۴. برای خیلی‌ها سؤال است که چرا تمام کارهای پهلویِ اول محکوم و منکوب و مطرود و مغضوب و منفور است الا سربازی اجباری و نوبت به این فقره که می‌رسد چندان مقدس می‌شود که دست به ترکیب آن نمی‌توان زد و این امر مقدس را تنها اگر ددی پولدار، بچه را به خارج کشور فرستاده باشد می‌توان خرید.

از این رو باز می‌توان پرسید چرا فکری به حال این سربازی اجباری نمی‌شود و دست کم طرح «سرباز جانشین» را به اجرا نمی‌گذارند؟ حتما باید از این دست اتفاقات بیفتد تا فکری کنند؟ مثل شهرداری که تا عابری را در بزرگراهی زیر نگیرند پل نصب نمی‌کند! می‌دانیم این اختیار هم از مجلس سلب شده اما دست‌کم به ستاد کل پیشنهاد کنند.

۵. اگر بنا بر زور و تحقیر نیست اصرار بر اعزام دو بازیکن فوتبال یک باشگاه به یک تیم دیگر چه ضرورتی داشت؟ در فلان تیم بازی کنند سرباز دلاور می‌شوند و در تیم خودشان نه؟ به اینجا که می رسیم لابد مُر قانون است!

۶. هر چه از سن سربازی فرد می گذرد تحمل آن سخت‌تر می‌شود و احتمال رفتارهایی از این دست بالا می‌رود. در حال حاضر متولد ۱۳۵۵ با ۴۵ سال سن مشمول است و اگر در ۲۲ سالگی صاحب فرزند شده باشد فرزند ۱۸ سالهٔ او نیز! پدر و پسر با هم! اگر هم به خاطر سربازی نتوانسته باشد ازدواج کند بهای سنگینی پرداخته است. بنابراین بهتر است با ابتکار فرماندهی کل قوا و مثل سال ۸۲ بهتر از یک سن به بالا را معاف و بار سربازی را سبک کنند. مثلا از متولدین ۶۵ به قبل.

۷. معلوم است که مملکت به سرباز نیاز دارد اما هر سال به چه تعداد؟ مگر تعداد مشخص نیست؟ چرا مازاد آن را به جای مرخص کردن سال ها معطل نگاه می‌دارند و از مملکت خودشان بیزار می کنند و بلاتکلیف می‌مانند؟

سعدی می‌گوید: عمر گران‌مایه در این صرف شد/ تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا (عمرم به این گذشت که تابستان چه بخورم و زمستان چه بپوشم) و حالا عمر گران مایهٔ جوانان ما صرف این می‌شود که کی و چگونه سربازی بروند و برای این که سربازی نرود چند سال سرگرم یک رشته دانشگاهی می شود که علاقه هم ندارد و پولی هم از آن درنمی آید ولی تنها به تأخیر انداخته و به جای ۱۸ سالگی در ۲۵ سالگی باید برود. حالا که زوری است همان ۱۸ سالگی زور کنید و بفرستید.

۸. اگر این پسر در بیرون ۴ نفر را کشته بود جامعه تشنهٔ مجازات او بود اما حالا اعدام او تنها یک سرباز قربانی دیگراضافه می کند و برای خانواده‌ها هم شاید تفاوت چندانی نداشته باشند چرا که فرزندان دسته گل خود را بر سر هیچ و پوچ از دست داده‌اند.

این که چرا ۴ سرباز کشته شدند، تمسخر و تحقیر می کردند، سر به سر سربازِ حالا قاتل می گذاشتند و چرا سربازی بایدَ بتواند این گونه آتش بگشاید مهم تر از این است که چرا کشته است. چون در بحث اول می شود آسیب شناسی کرد ولی در مورد دوم امکان تکرار آن در هر جای دیگر وجود دارد.

مادام که سازمان قضایی نیروهای مسلح اطلاعیه نداده بود به طور طبیعی این باور شکل می گرفت که سرباز تحت فشار شدید و نیاز به مرخصی برای خروج از محیط نظامی و مردانه کنترل خود را از دست داده و خشونت ورزیده است. حالا می گویند اختلاف شخصی داشته است. از قبل که با این ۴ نفر دوست یا شریک نبوده در همان محیط دچار اختلاف شده‌اند. دیگران چگونه می توانند آسوده خاطر شوند که سربازی دیگر چنین بلایی بر سر فرزندان آنها نیاورد؟

با این اوصاف خیلی تفاوت دارد که جوانی در بیرون ۴ جوان دیگر را بکشد تا این که چنین اتفاقی با سلاح گرم و در یک پادگان رخ داده باشد. از این رو به نظر می‌رسد تعابیری چون اختلاف شخصی و مانند آن برای آن است که بر این نکته تأمل نکنیم که این اتفاق در محیط بسته رخ داده است./ عصر ایران

عادی شدن امر فلاکت؛ مرزهای آنومیک نزدیک است



دکتر سجاد بهزادی

ایران براساس آخرین برآوردهای صورت گرفته در رتبه هشتم دنیا از حیث شاخص فلاکت در بین ۱۵۶ کشور دنیا پس از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه، سودان و سوریه قرار دارد. گفته می‌شود شاخص فلاکت در ۲۰ استان ایران از میانگین کشوری فراتر رفته است و دست‌کم ۸ استان ایران از حیث شاخص فلاکت، یعنی مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم، در محدوده بالای ۶۰ درصد جای گرفته‌اند.

بیکاری و تورم بعنوان اصلی‌ترین شاخص فلاکت، مسألهٔ ساده‌ای نیست که یک جامعه آن را به راحتی تحمل کند. بارها دیده‌ایم در دیگر جوامع، به خاطرجابه‌جایی بسیار اندک قیمت‌ها، خشم عمومی فراگیر می‌شود و این خشم به خیابان ها می‌رسد و نارضایتی ها گسترده می‌شود. پرسش اساسی این است که آیا جامعه ایران به عادی شدن امر فلاکت گرفتار و ذهن، روان و رفتار جامعه با فقر و تورم عجین شده است؟

جامعه‌ای که از صبح تا شب به گرانی و فلاکت فکر می‌کند گرفتار چه آسیب‌هایی که نمی‌شود. یک جامعهٔ گرفتار فلاکت به همه چیز بی اعتماد می‌شود و انگیزه و امید به زندگی در میان این جامعه نیز به حداقلی می‌رسد. جامعهٔ فقرزده مدام نگران است و این نگرانی خطرآفرین است. ذهن و روانی که آزاد نیست و مدام نگران آینده است، مستعد هر آشوبی می‌شود و عادی شدن امر فلاکت برای این جامعه موقتی و چون آتش زیر خاکستر می‌ماند.

اشتباهی که در میان مسؤولان وجود دارد این است که گمان می‌کنند جامعه امروز ایران، به خاطر زندگی نجیبانه‌ای که با فقر دارد، «تاب آوری» بالایی دارد و برای پایین آوردن شاخص های فلاکت همچنان فرصت هست.

این تصور اشتباهی از «تاب آوری» جامعه ایران است که بارها شنیده می شود. یک بار رئیس پیشین بانک مرکزی گفته بود «سال‌هایی که که پشت سر می‌گذاریم، سال های محک تاب آوری اقتصاد و جامعه است». به قول احمدی‌نژاد رئیس جمهور سابق که برخی فقر و فلاکت امروز را نتیجه عملکرد دیروز او می دانند در قامت مدعی و در جمع گروهی از مردم گفته بود «این اشتباه بزرگی است که فکر کرده‌اید که می‌توانید ملّت ایران را در این سطح نگه دارید. این فنر به زودی درخواهد رفت». علی مطهری نماینده پیشین مجلس نیز قبل تر گفته بود «مردم تا کی مقاومت کنند؟ افق روشنی وجود ندارد. این فشار اقتصادی و این که خیلی امیدی به آینده وجود ندارد از دلایل کمرنگ شدن حضور مردم در انتخابات گذشته است. افق روشنی برای برخی از مردم وجود ندارد؛ یعنی به نظر من زبان حال مردم این است که ما مقاومت می‌کنیم ولی تا کی؟»

نباید بی خیال به عادی شدن امر فلاکت در جامعه ایران بود. عادی شدن امر فلاکت، آرام آرام جامعه را به مرز آنومیک نزدیک می کند. جامعه به تعبیر دورکیم، وقتی در موقعیت آنومیک قرار می گیرد ارزش های اجتماعی در آن از بین می رود؛ به صورتی که افراد دچار تزلزل در شخصیت خویش شده و از آن جا که دیگر به هیچ‌چیز و هیچ‌کسی باور ندارند، تنها راه را در «خودکشی» می بینند.

حوادث نگران کننده‌ای مانند خودکشی ها، سربریدن‌ها، گستره فساد و فاصله طبقاتی که عموما در ذیل شاخص های فلاکت زاده می شوند، نشان می‌دهد که بخشی از جامعه ایران آرام آرام خود را به موقعیت آنومیک نزدیک می‌کند. ما راهی نداریم جز دگرگونی واقعی احوال در سال ۱۴۰۱ و آغاز قرن جدید شمسی. اگر دعای «حول حالنا» و دگرگونی احوال در دولت و ملت در سال جدید شاهد نباشیم و فلاکت همچنان عمیق تر شود بحران ها و آتش ها از زیر خاکستر بیرون می زند.

انرژی و پتانسیل های موجود در سپهر زیستی جامعه ایران را دریابیم و آن را در خدمت توسعه و شکوفایی قرار دهیم. هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچ گروه و دولتی پذیرفته شده نیست.

دستاوردهای اجزاء سیستم کنونی روشن است و فاصله گرفتن از عقلانیت اشتباه است. باید جهان مدرن را با انسان های خوش فکر و تصمیم ساز بیشتر شناخت و منافع جامعه را از نو تعریف کرد. بنظر می رسد انسان های بزرگی هنوز هستند که می توانند از رشد فلاکت در جامعه بکاهند و تصمیمات درست تر بگیرند. باید از آنها استفاده کرد.

متاسفانه جامعه امروز ایران به قول دکتر رنانی «به مزرعه‌ای می‌ماند که انبوهی از بذرهای متنوع مربوط به گُل‌ها و درختان مختلف در زیر خاک آن مدفون شده است. حتی روی سطح مزرعه را خس و خاشاک گرفته است و یک جاهایی هم کودهایی روی خاک است که فضا را متعفن کرده است.» تا زمانی که اجازه رویش جوانه ها نمی‌دهیم و از استعدادهای تحول‌گرا استفاده نمی کنیم فلاکت هم عمیق‌تر می‌شود.

اقتدار سیاسی ضامن توسعه نیست و باید به جامعه و صاحبان خرد رجوع کرد؛ اما نه آن جامعه‌ای که ذهن و روانش با تورم و فلاکت در هم آمیخته است و به مرزهای آنومیک خود هر روز نزدیک‌تر می‌شود.

اعتراض جمعی از رزمندگان، معلمان، فعالان اجتماعی، روزنامه نگاران و نویسندگان استان بوشهر به حکم ۲۰ سال زندانی برای معلم رزمنده «حسین روئین تن»

از زندانی شدن یک شهروند دلسوز، روزنامه نگار صادق و معلم رزمنده جلوگیری کنید

با کمال تاسف سال جدید را با حکم ۲۰ سال زندان برای معلم رزمنده، روزنامه نگار صادق و از فعالان دلسوز اجتماعی استان بوشهر جناب آقای «حسین روئین تن» شروع نمودیم.

رزمنده‌ای که در جوانی جان خود را در طبق اخلاص برای حفاظت از میهن عزیز ایران در برابر دشمن بعثی گذاشت، اکنون ناباورانه به اقدام بر علیه امنیت کشور، محکوم شده است!

روزنامه‌نگاری که در همه این سالها با صداقت، دلسوزی و احساس مسئولیت برای اصلاح امور جامعه قلم زد، امروز با اتهام تشویش اذهان عمومی محکوم شده است!

منتقدی که نتوانست چشم خود را بر روی مفاسد و نابسامانی‌ها ببندد، اکنون حکم محکومیت نشر اکاذیب را دریافت کرده است!

مسلمانی که همه زندگی خود را به عشق ائمه اطهار گذرانده، با حکم عجیب توهین به مقدسات



و ائمه اطهار مواجه شده است!

معلمی که عمر خود را برای درس دادن قانون و قانونمداری به دانش آموزانش گذاشته، اکنون برای تشویق به تجمعات غیر قانونی محکوم شده است!...

ما جمعی از رزمندگان، معلمین، فعالان اجتماعی، روزنامه نگاران، نویسندگان و شهروندان استان بوشهر، با توجه به کارنامه درخشان آقای حسین روئین تن در دفاع از کشور و انقلاب و همراهی با مردم و سوابق رفتاری و نوشتاری وی، هیچ کدام از این اتهامات نه تنها برایمان قابل باور نیست که اعتقاد به بی‌گناهی و تبرئه این رزمنده، معلم، نویسنده و روزنامه نگار از کلیه اتهامات وارده را داریم و ضمن ابراز تاسف از برخورد قهرآمیز با ایشان، به منظور حفظ احترام معلمان، و رعایت آزادی بیان و تحکیم فضای نقد و انتقاد، از دادگستری استان بوشهر خواستار تجدید نظر در این حکم و تبرئه حسین روئین هستیم و امیدواریم که با رعایت انصاف و قانون، از زندانی شدن یک شهروند دلسوز، صادق و مسئول جلوگیری به عمل آید.

۱ـ حسن لاوری ۲ـ یونس قیصی زاده ۳ـ هلنا سعادتمند ۴ـ رضا نکیسا ۵ـ بابک فقیه ۶ـ ماندنی هوشنگی ۷ـ رضا فربود ۸ـ حمید فربود ۹ـ فرزان اسدی ۱۰ـ محمدعلی بختیاری ۱۱ـ محمد رشیدپور ۱۲ـ خلیل موحد ۱۳ـ غلامحسین کروبی ۱۴ـ آناهیتا نعمتی ۱۵ـ ستار فتحی ۱۶ـ ناصر حفظ اله ۱۷ - خدارحم کرمزاده۱۸ـ زیبا هوشیار۱۹ـ قاسم محمدی باغملایی ۲۰- جعفر مصطفوی ۲۱ـ ابراهیم دانش ۲۲ـ محمدجعفر ایزدپناه ۲۳ـ مسعود آتشی ۲۴ـ مهری کرمی ۲۵ـ عبدالله آورا ۲۶ـ محمد محبی ۲۷ـ علیرضا حاجب ۲۹ـ وحید رئیسی ۳۰ـ احمدرضا فرهادی ۳۱ـ غلامحسین خسروی ۳۲ـ آرش برنس ۳۳ـ عبدالحمید قیصری ۳۴ـ حسین صداقت ۳۵ـ عباس رضا زاده ۳۶ـ عبدالحسن بوذر جمهری ۳۷ـ خورشید فقیه ۳۸ـ فرهاد فرض ۳۹ـ یدالله موسایی(علی) ۴۰ـ نعمت الله شیخ سقا ۴۱ـ عبدالرحمن برزگر ۴۲ـ محمد کارگر۴۳ـ محمدجواد رزمجو۴۴ـ سهیلا شعبانی۴۵ـ حسین عباسی سملی۴۶ـ علی اصغر سیف۴۷ـ ضیاء محمدی بوالخیری۴۸ـ رضا علیپور۴۹ـ خلیل مرادزاده۵۰ـ عبدالرحیم مهرور ۵۱ ـ اکبر صابری ۵۲ ـ فاطمه فرامرزی۵۳ ـ مختار پزشک۵۴ ـ محمد حاجب۵۵ ـ محمدباقر عباسی سملی۵۶ ـ هادی برمکی ۵۷ ـ حسن احمدی ۵۸ ـ ندا کشاورز ۵۹ ـ محمدجعفر نجدی ۶۰ ـ فرامرز اکباتانی ۶۱ ـ رسول سعادت نیا ۶۲ ـ حسین کریم زاده ۶۳ ـ حسام چمکوری ۶۴ ـ مرتضی رضایی ۶۵ ـ احسان مصلح ۶۶ ـ حمیدرضا کوثری نژاد ۶۷ ـ اردشیر شمسی زاده ۶۸ ـ فریبا سعادتمند ۶۹ ـ نعمت الله جوهری فرد ۷۰ ـ اسکندر احمد نیا ۷۱ ـ محمدرضا حسینی ۷۲ ـ سید حسن درخشنده ۷۳ ـ حسین میمنی ۷۴ ـ رحیم رضایی ۷۵ ـ جعفر جمالی ۷۶ ـ محمد علی نیا ۷۷ ـ محمد کاظم حق شناس ۷۸. اسماعیل حسام مقدم ۷۹. مهدیه امیری ۸۰ ـ علی اصغر درلیک ۸۱ ـ مجید نصوری ۸۲ ـ اسماعیل بهبهانی ۸۳ ـ مصطفی صفری ۸۴ ـ عبدالرحیم کارگر ۸۵ ـ فرخ روزبهی ۸۶ ـ محمد پارسا ۸۷ ـ حمید آب آذر ۸۸ ـ حمزه زارعی ۸۹ ـ سایه درختیان ۹۰ ، سیامک برازجانی ۹۱ ـ محسن روشن ۹۲ ـ ابوالقاسم ایرانی ۹۳ ـ حمید درختیان ۹۴ ـ علیرضا قاسمی ۹۵ ـ سید احمد موسوی زاده ۹۶ ـ حسین برازجانی ۹۷ـ علیرضا سلطانی ۹۸ ـ عبدالخالق نعمتی ۹۹ ـ اسفندیار فتحی ۱۰۰ ـ فرهنگ شجاعی ۱۰۱ ـ آذر کرمپور ۱۰۲ ـ محمود ابراهیم زاده ۱۰۳ ـ جواد رشیدی ۱۰۴ ـ رقیه تراب پور ۱۰۵ ـ ابراهیم میگلی نژاد۱۰۶ ـ محمدرضا دعایی ۱۰۷ ـ فرزاد صابری ۱۰۸ ـ علی جهاندار ۱۰۹ ـ مهدی تنگستانی ۱۱۰ ـ محمد مصلحی ۱۱۱ ـ برنا بدخشان ۱۱۲ ـ طیبه فرهی ۱۱۳ ـ خدیجه کشاورز ۱۱۴ ـ مجید کمالی پور۱۱۵ ـ حبیب بنافی ۱۱۶ـ شیداعلی پور ۱۱۷- محمد حاجیانی ۱۱۸- ابراهیم خدری ۱۱۹- حمید عشایری ۱۲۰ حسن غلامی نژاد ۱۲۱ ـ محمد ثانی ۱۲۲ ـ عبدالخالق دریانورد ۱۲۳ ـ اردشیر بصیری ۱۲۴ ـ محمد حیاتی ۱۲۵ ـ معصومه خرم ۱۲۶ ـ یزدانبخش هنری ۱۲۷ ـ محمود ملاکی ۱۲۸ ـ عبدالرضا امانی فر ۱۲۹ ـ محسن عمرانی ۱۳۰ ـ محمدرضا اکبری ۱۳۱ ـ اصغر حاجب ۱۳۲ ـ ابوالقاسم مهاجر ۱۳۳ ـ سمانه زارعی ۱۳۴- وحید موحد ۱۳۵- اکبر نهاری ۱۳۶- ابراهیم گرمساری ۱۳۷- احمد سبحانیان ۱۳۸- حسین بختیاری آزاد ۱۳۹- ناصر کرمی ۱۴۰- کبری جهانبخت...

مزد دست «حسین روئین تن» این نبوده و نیست

خدایا تنبیه نیکان را روا مدار

غلامحسین خسروی - دبیر ریاضی دبیرستانهای برازجان

در سال ۵۸ با او آشنا شدم. درست زمانی که شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی به برازجان آمده بود. وصف ناپذیر متحرک و پر جنب و جوش بود. شور و شوق او دور و بر شهید بهشتی ارادتش به انقلاب را دو چندان نشان می داد.

فراموش نمی کنم دبیرستان را چون سپری برای پشتیبانی و دفاع از ارزشهای انقلاب قرار داده بود. در سال ۶۰ که در کمیته فرهنگی جهاد خدمت می کردم او نیز در تقسیم اراضی کمیته جهاد مشغول خدمت بود. سپس به تربیت معلم رفتیم و پس از چند سال خدمت در روستاها به برازجان برگشتیم. روز اول مهر او را در صف صبحگاهی دیدم که دانش آموزان را با زیبایی شارژ روحی و روانی می کرد و چنان انگیزه به آنان می داد که راحت می توانستند سر کلاس درس ریاضی را فرا گیرند. نماز ظهر و عصر به جماعت از زیباترین کارهایش بود که بچه ها را با علاقه به سوی نماز فرا می خواند و جمعه ها نیز همین بچه ها با شوق همراهش به نماز جمعه می رفتند.

و سالها گذشت تا این که مدتی پیش سراغش را گرفتم شنیدم پس از بازنشستگی در روستای زادگاهش به کشاورزی مشغول می باشد.

و اما خبری که مرا دچار شوک کرد این بود که: «حسین روئین تن به جرم اقدام علیه امنیت نظام و توهین به ائمه اطهار به بیست سال زندان محکوم شده است!»

باورش برایم خیلی سخت بود.

آخر او در دوران معلمی و مربی گری‌اش حداقل سی دوره سیصد نفری یک مدرسه را با خدا و رسول(ص) و اصول دین و حسین(ع) و زینب(س) و اهل بیت آشنا کرده بود.

سخت اندوهگین شدم.

آخر حسین روئین چگونه اقدام علیه امنیت ملی کرده؟ مردی که آزارش به مورچه‌ای هم نمی رسید. مردی که خانواده ای متدین و معتقدی دارد و بسیار پایبند به اصول دین می باشد.

من جزء هیچ باند و دسته‌ای نیستم اما به عنوان یک معلم ریاضی که با فرمول وحساب و هندسه سرکار دارم، اعلام می دارم، مزد دست حسین روئین تن این نبوده و نیست. خدایا هرکس نداند تو میدانی که من جز به رضایت تو سخنی نگفتم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

خداوند عاقبت همه ما را ختم بخیر کند.



بهترین راهکار ایمن کردن کودکان تزریق واکسن است

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: باتوجه به بازگشایی مدارس و حضوری شدن کلاس های درس بهترین راهکار برای حضور ایمن کودکان در فضای مدرسه تزریق واکسن است .

دکتر قاسم برجویی فرد در گفت وگو با ایرنا افزود: تاکنون کمتر از ۱۰ درصد از کودکان واجد شرایط دریافت واکسن کرونا در این استان واکسینه شده اند که انتظار می رود خانواده ها نسبت به واکسیناسیون فرزندان خود با حساسیت بیشتری اقدام کنند.

وی یادآورشد:باتوجه به اینکه تا پیش از عید بستری‌های ناشی از کرونا به زیر ۴۰ نفر رسیده بود اما بعد از تعطیلات نوروزی روند بستری‌ها به ۷۴ نفر و شمار بستری ها در مراقبت‌های ویژه نیز از هشت به ۱۲ نفر رسیده است.

برجویی فرد با اشاره به اینکه بدلیل حجم مسافرت‌ها انتظار چنین اتفاقی می رفت اضافه کرد: با توجه به بازگشایی مدارس از خانواده ها درخواست می‌شود در صورتی که کودک آنها علامت دار شد از حضور در مدرسه جلوگیری کنند.

معاون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر اظهارداشت:تاکنون یک میلیون و ۸۴۶ هزار و ۷۳ دُز واکسن کرونا در استان بوشهر تزریق شده است. تاکنون ۸۱۴هزار و ۱۰۰ نفر معادل ۸۴.۸ درصد در استان نوبت اول، ۷۳۷هزار و ۶۶۱ نفر معادل ۷۸.۳ درصد نوبت دوم و ۲۹۴هزار و ۳۱۲ نفر معادل ۳۴.۹ درصد نیز نوبت سوم واکسن خود را در استان تزریق کرده اند. باتوجه به شیوع و طغیان سرخک در کشور افغانستان و هم مرز بودن و همسایگی ایران با این کشور مجموعه وزارت بهداشت و درمان در خصوص شیوع این بیماری و لحاظ کردن نکات بهداشتی و به خصوص تزریق واکسن هشدارهایی داده است.

برجویی فرد با بیان اینکه تاکنون مورد مثبتی در این زمینه در بوشهر گزارش نشده است اضافه کرد: نکته ای که باید به خانواده‌ها صادقانه گوشزد کرد بحث واکسن سرخک است و خانواده های دارای کودکان ۱۲ و ۱۸ ماه باید نسبت به تزریق واکسن سرخک اقدام کنند.کودکان زیر یکسال سرخک نمی گیرند به همین دلیل است که واکسن سرخک برای کودکان یک و یک و نیم سال در کشور قرار داده شده است.

وی تاکید کرد: با توجه به شرایط کرونا و برخی مسافرت‌ها امکان دارد برخی از خانواده ها فرصت تزریق واکسن سرخک کودک خود را نداشته اند انتظار می‌رود در راستای تامین سلامتی کودک خود خانواده ها نسبت به تزریق این واکسن اقدام کنند. سرخک یک بیماری عفونی است که در اثر آن نوعی ویروس ایجاد می‌شود اما با واکسن می‌توان از آن پیش گیری کرد.

به گفته برجویی فرد تب، سرفه خشک، آبریزش بینی، گلو درد، چشم‌های ملتهب و بثورات پوستی از جمله نشانه های بیماری سرخک است که ۱۰ تا ۱۴ روز پس از قرار گرفتن در معرض ویروس ظاهر می‌شود.

وی ادامه داد: راه انتقال ویروس سرخک از طریق تنفس و قطره‌های تنفسی است .

راهیابی دو فیلم مستند از برادران هنرمند بوشهر به فستیوال فیلم هند



دو فیلم مستند از هنرمندان بوشهر به فستیوال فیلم «یک زمین» در هند راه یافت.

به گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، دو فیلم مستند «رودخانه لیان» و «حرا بکاریم» به ترتیب به کارگردانی رامتین بالف و رشاد بالف به فستیوال فیلم «یک زمین» در هند راه یافت. فیلم «رودخانه لیان» در ارتباط با دو رودخانه استان بوشهر به نام حلّه و مُند است که با نگاهی تاریخی پوششِ گیاهی منطقه، طبیعت رودخانه، اماکن تاریخی و حیات وحشی کنار این دو رودخانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. مستند «حرا بکاریم» نیز موضوع کاشت درخت حرا برای استفاده عموم جامعه را به تصویر می‌کشد.

مصاحبه نسیم جنوب با هنرمند نقاش، دکتر نرجس حسینی:

نقاشی؛ تقویت لبخند به زندگی است

هیچ وقت برای شروع دیر نیست، اگر بخواهیم

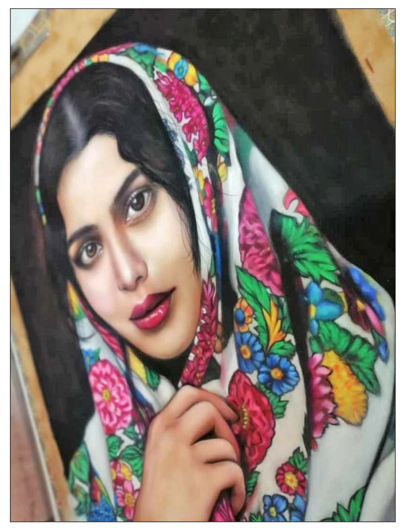
– لطفا خودتان را معرفی و بیوگرافی هنری خود را بفرمایید.

– سیده نرجس حسینی، متولد اسفندماه ۶۳، دکترای مهندسی مواد و هیات علمی دانشگاه خلیج فارس. از سال ۹۵ هنرجوی نقاشی در دو تکنیک سیاه قلم و پاستل زیر نظر استاد علی نازکسرایی و تجربه شرکت در ۵ نمایشگاه هنرجویی.

– چه شد که به نقاشی علاقمند شدید؟

– من از کودکی علاقه زیادی به نقاشی و فعالیت های هنری داشتم اما با توجه به این که آن زمان تحصیل برای من از اولویت بالاتری برخوردار بود نتوانستم به طور مداوم و جدی آن را دنبال کنم. با این وجود همواره دغدغه آن با من همراه بود تا این که بالاخره بلافاصله پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه در سال ۹۵ هنرآموزی تحت نظر استاد علی نازکسرایی را شروع کردم و با گذشت زمان علاقه به نقاشی در من تشدید شد به گونه ای که هم اکنون نقاشی بخشی مهم و جدانشدنی از زندگی من است.





– سوژه های نقاشی خود را چگونه انتخاب می کنید ؟

– نقاشی این قابلیت را به ما می دهد که دنیا را از دید خود به دیگران نشان دهیم، عمدتا همین موضوع الهام بخش انتخاب سوژه های نقاشی من است. البته تلاش می کنم در کنار این مساله با انتخاب سوژه های پرچالش تر، قدرت و مهارت نقاشی خود را نیز تقویت و ابراز کنم.

– در نقاشی به دنبال چه رؤیا و آرزویی هستید ؟

– دوست دارم با فعالیت در تمام سبک ها و تکنیک های مختلف نقاشی شناخت بیشتری از استعدادها و علایق خود در این زمینه کسب کنم و با مهارت افزایی و وسعت بخشیدن به تجربه زیبایی شناسی خود فرصت بیشتری برای درک، شناخت و خلق زیبایی های هنری داشته باشم.

– نقاشی چه چیزهایی برای شما به ارمغان آورده است؟

– نقاشی باعث تخلیه احساسات و انرژی های منفی که در زندگی و مشغله های روزمره ناخودآگاه با آن مواجه هستیم شده و با تقویت احساساتی چون حس زنده بودن، شادمانی، آرامش و باور به خود، لبخند به زندگی و آدم ها را در من پررنگ تر کرده است.

– در روند آفرینش یک اثر هنری از ابتدا تا انتها چه مراحلی را می گذرانید؟

– نقاشی زبان احساسات من است و هر کدام از آثار من دفتری از خاطرات است که با نگاه کردن به هر گوشه آن خاطره ای از احوالات و احساسات درونی من در آن لحظه خاص از شروع تا پایان نقاشی در ذهنم ورق می خورد.

– آیا به دنبال گفتن حرف خاصی در آثارتان هستید ؟

– گاهی آدم ها بدون استفاده از واژه ها و فقط با نگاهشان با هم حرف می زنند. این نگاه را می توان در یک تصویر نیز به نمایش گذاشت. با نگاه کردن به یک نقاشی می توان به دنیای درون آن سفر کرد و با کند و کاو آن، ناشناخته ها و ناگفته های بیشتری را کشف نمود. در واقع نقاشی برای من ابزاری برای بیان احساسات و ناگفته های درونی است.

– وقتی که فیلم و تصویر یک منظره یا شخص یا پرتره یا ... است چرا نقاشی؟ و در نقاشی چه چیزی هست که در عکس دیده نمی شود؟

– فیلمبرداری، عکاسی و نقاشی اگر چه شباهت هایی با هم دارند اما تفاوت اساسی که بین ماهیت این رشته ها وجود دارد موجب شده که هر کدام را به عنوان هنری مجزا بشناسند. نباید فراموش کرد که این سه رشته توانایی تقویت یکدیگر را نیز دارند. برای مثال یک نقاش می تواند به جای سوژه زنده از عکس آن بهره ببرد یا برعکس، عکاس می تواند هنر یک نقاش را در یک عکس ثبت و منتشر کند. یک عکاس یا فیلمبردار به کمک تکنولوژی سوژه خود را به تصویر می کشند اما یک نقاش با استفاده از ابزارها و رنگ های مختلف در کنار خلاقیت و مهارتی که دارد هنر خود را به کمک دست ترسیم می نماید.

– از بین نقاشان کشوری کار کدام یک را می‌پسندید و چرا؟

– استاد محمدعلی یزدچی در تکنیک آبرنگ. در آثار این هنرمند گل ها با لطافت، زیبایی و چینش خاصی کنار یکدیگر قرار گرفته اند به طوری که من به عنوان بیننده از دیدن آن لذتی وصف ناشدنی می برم. رنگ آمیزی آثار ایشان منحصربفرد و خیلی نزدیک به واقعیت بوده و بیننده را متحیر می سازد.

– الگوی شما در نقاشی در سطح بین‌المللی چه کسی است و چرا؟

– همان طور که گفتم من علاقه زیادی به کسب تجربه در زمینه های مختلف نقاشی دارم و در این مسیر قصد محدود کردن خود به مکتب یا الگوی منحصر به فردی را ندارم.



– فضای کنونی این هنر را در بوشهر چگونه می‌بینید و چه چشم اندازی برای آن قایل هستید؟

– خوشبختانه نسل جدید گرایش بیشتری به هنر و هنرآموزی پیدا کرده اند و نقش حمایتی خانواده ها نیز در این مورد چشمگیرتر شده است. ما این استقبال و علاقه را در نمایشگاه های اخیر خود به وضوح دیده ایم. امید است در آینده ای نه چندان دور شاهد پیشرفت جایگاه هنری استان در کنار سایر ابعاد باشیم.

– چه پیشنهادی برای کسانی که علاقمند به نقاشی هستند دارید و از کجا باید شروع کنند؟

– هیچ وقت برای شروع دیر نیست، اگر بخواهیم! به قول شاعر: «زندگی جز نفسی نیست، غنیمت شمرش، نیست امید که همواره نفس برگردد». اگر علاقه مند به نقاشی هستید همین الان مداد و کاغذ را بردارید و شروع کنید، برای آموزش می توان از دوره های آموزشی حضوری یا حتی مجازی که به صورت رایگان هم در دسترس هستند بهره برد.

– سخن پایانی؟

– در انتها بر خود لازم می دانم از تلاش ها و حمایت های مستمر استاد گرانقدرم علی نازکسرایی صمیمانه سپاسگزاری کنم که در پیشبرد این مسیر دلسوزانه و عاشقانه بدون هیچ چشم داشتی هنرجویان خود را همراهی می نمایند. از پدر و مادر عزیزم نیز که در همه این سال ها بزرگترین پشتوانه من بوده اند نیز بی نهایت سپاسگزارم.



تصمیم عجولانه دولت در بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی

محمد اصلانی



حدود دو سال از ورود کرونا به سرزمینم می گذرد همه و همه به نوعی برای حفاظت از سلامت خانواده و مردم تلاش کردیم از نیروهای مردمی گرفته تا کادر زحمتکش درمان و همه کسانی که خالصانه دریغ نکردند .

پس از کش و قوس های فراوان، از ضربه زدن به کسب و کار و معیشت مردم گرفته تا شروع به آلوده کردن و در نهایت کشتن عزیزان از پیر و جوان دوست و آشنا، کادر زحمتکش درمان تا به امروز که گاهاً رنگ نقشه این سرزمین را آن چنان قرمز می کند که گویا خون پاشیده است.

مردم در مضیقه شدید قرار گرفتند و با تحمل مرگ عزیزان و عزادار شدن بخش زیادی از مردم همچنان برای ادمه حیات ایستاده اند تا این که خبر از تولید داروی درمانی رسید. امیدها زنده شد و پس از کلی موانع و ممنوعیت بلاخره راهی برای ورود واکسن ایجاد شد از تولید داخلی هم بخشی بهرمند شدند و خلاصه تن خود را با آمپول نحیف کرونا سوراخ کردیم. گذر می کنم از طولانی کردن ماجرا .

در بدو ورود به سال جدید با پراکنده شدن میلیونی مسافران نوروزی و عادی انگاری از طرف دولت علی رغم محدودیت دو نوروز قبل این بار از هر جهت مسافران با بی توجه ای کامل به مسائل و پروتکل ها و فاصله های اجتماعی تعطیلات خود را سپری کردند کما این که همچنان محدودیت ها از طرف مسئولان بهداشتی گوشزد میشد و مردم غافل از کرونا که گویا با تزریق واکسن این بیماری ریشه کن شده، اما با اتمام ایام نوروز ناگهان خبر از بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی از طرف وزارت کشور در رسانه ها به سمع مردم رسید.

آنهایی که تازه برگشتند خانه نگران نبودند چون که هنوز فکر می کنند بیماری ریشه کن شده اما آن بخش عمده از مردم که هنوز ماسک بر چهره دارند و برا حفظ سلامت خود، خانواده و دیگران دست از پا خطا نمی کنند دچار نوعی نگرانی و استرس شدند که چی شده چرا همچینن دستور و طبل دستور آن چنان کوبنده شد که هر ناشنوایی هم می‌بایست بشنود.

ندای طبل این بود که باید بشنوید و هر چه ما زدیم بر این شیشه برقصید شاید امروز خون پای ما را نبینید اما ممکن است چند صباحی مجدد ما مردم را از پای درآورد و زمینگیر کند.

سوالم این است ای وزیر آموزش و پرورش شما موظف به آموزش دادن فرزندان این مرز و بوم هستید که در کمال آرامش یاد بگیرند اما از اجبار کردن و تهدید کم شدن نمره انضباطی و درسی گرفته تا تکرار پایه ، همین امر شما باعث نگرانی شدید در خانواده ها و فرزندان ایران عزیز شده است.

آیا شمای مسئول ضمانتی برای وارد نشدن به پیک هفتم را می دهید؟ آیا اگر حتی یک نفر بخاطر دستور اجباری شما مبتلا و منجر به فوت آن عزیزان و یا عضوی از خانواده شود پاسخگوی داغ بچه های مردم می شوید؟

آیا نظر کارشناسان بهداشت درمان به نظر شما نزدیک بود؟

و خیلی سوالهایی که خوتان بهتر می‌دانید و گویا نمی خواهید بدانید.

زندگی آگاهانه

مشکلات تصمیمات سال نو

حسین زیرراهی– مدرس توسعه فردی



به طور معمول ما در شروع سال جدید برای خود تصمیماتی می‌گیریم و اهدافی را مشخص می‌کنیم که سال نو را پرقدرت‌تر و موفق‌تر شروع کرده و به پایان ببریم. اهدافی مانند یادگیری یک زبان جدید یا یک ساز موسیقی، فعالیت در یک رشته ورزشی، رژیم غذایی به قصد کاهش وزن، مطالعه کتابهای خوانده نشده قفسه کتابها، یادگیری نرم‌افزارهای مربوط به شغل و ادامه تحصیل در یک مقطع بالاتر.

این تصمیمات در ذات خود خوب‌اند و نوعی خانه‌تکانی فردی به حساب می‌آید ولی متاسفانه آنچه در آخر پاییز شمرده می‌شود چیزی نیست که اول سال مشخص کرده‌ایم. گاهی حتی نتیجه نهایی نزدیک به صفر است. به راستی چرا چنین است؟ چرا اهداف ما به واقعیت نمی‌پیوندد؟

بزرگترین مشکل هدفگذاری‌های سال نو این است که افراد تمام کارهایی که در همه عمر انجام نداده‌اند را فهرست می‌کنند. غافل از این که اگر انجام این کارها در توان ما یا حتی شدنی بود تا الان انجام داده بودیم.

برخی کارها نیاز به سالها زمان و صرف وقت دارند. ما اغلب برداشت درستی از حجم و سختی کارهایی که تا کنون انجام نداده‌ایم نداریم. مثلا کارهایی مانند موسیقی، یادگیری زبان و ورزش همیشگی است که باید تا آخر عمر انجام داد. ولی اغلب افراد فکر می‌کنند حداکثر در شش ماه تا یک سال می‌توانند در یک ساز موسیقی به درجه استادی برسند یا یک زبان دیگر را یاد بگیرند.

سطح دانش و مهارتهای اکنون ما: جمله‌ای هست که می‌گوید با دانش الانت نمی‌توانی مشکلات الانت را حل کنی چون خود آن باعث این مشکلات شده است. بنابراین برای این که بتوانیم خود را از وضعیتی که هستیم به وضعیت بهتر یا بالاتری بکشانیم نیاز داریم که سطح دانش و مهارت خود را در آن زمینه افزایش دهیم.

زمانبر بودن رشد و تغییر: تغییر امری زمان‌بر و مرحله به مرحله است. ما هرگز نمی‌توانیم پله‌ها را دوتا یکی کنیم یا از پله اول به پله آخر بپریم. تغییر عادت، طرز فکر و باورهای ما معمولا به سالها زمان نیاز دارد. تازه اگر در تمام این مدت تلاش کنیم و پیگیر باشیم. تغییرات درونی هم مانند تغییرات بیرونی بصورت تدریجی و گام به گام رخ می‌دهد. کسی که بدنسازی می‌کند ممکن است سالها طول بکشد تا شکم خود را شش‌تکه کند. ساخت عادتی مانند مطالعه یا ورزش روزانه هم همینطور است.

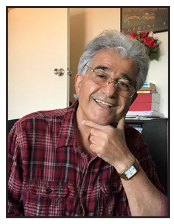
اهداف همزمان: نه مغز و نه بدن ما تاب تحمل حجم عظیمی از کار جدید را ندارد. کسی که تا دیروز به جز کارهای روزمره کار خاصی انجام نمی‌داده و بیشتر وقت خود را در اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و پای تلویزیون تلف می‌کرده ولی الان برای تمام روز خود می‌خواهد کار مفید انجام دهد، مثل کسی است که می‌خواهد در شروع ورزش دو در ماراتن شرکت کند. درحالیکه بدنش برای پانصد متر دویدن هم آماده نیست. ضمن این که ترک آن عادتهای مضر هم زمان‌بر است.

دیگر این که افراد برای ساخت عادتی جدید آن را با حجم بزرگ شروع می‌کنند. مثلا یک ساعت ورزش، دو ساعت مطالعه، چند ساعت تمرین موسیقی... اینطوری زود خسته شده و آن را رها می‌کنند. چون عادت ریز ساخته می‌شود.

نمایش نوروز باستانی در موزه "پاورهاوس" استرالیا

(Powerhouse Musium, Sydney Australia)

دکتر محمود دهقانی



با فرارسیدن جشن بهار نوروز در نیمکره ی شمالی زمین، موزه ی "پاورهاوس" سیدنی استرالیا در فصل پاییز نیمکره ی جنوبی شهروندان را به تماشای بهار آورد. موزه ی "پاورهاوس" سیدنی یکی از موزه های پُر ارزش کشور استرالیا است. همزمان با جشن نوروز، از ۱۹ ماه مارس تا ماه های آینده دروازه این موزه ی زیبا با برنامه های بسیار هنرمندانه و علمی خود بر روی بازدید کنندگان گشوده است. از آن جا که شهروندان کشور استرالیا پس از صاحبان اصلی آن "ابوریجینال" (بومی ها)، از ملیت های سراسر جهان می باشند، موزه ی "پاورهاوس" هنرها و جشن های برجسته ی جهان را در برنامه ی نمایشی خود می گنجاند که نوروز به دلیل ریشه ی هزاران ساله در تاریخ زندگی انسان بر روی زمین، یکی از آن ها به شمار می آید.

این موزه دارای ساختمانی کهن بوده اما رخ نمایی به سبک هنری روزگار کنونی دارد. ساختمان زیبای موزه ی"پاورهاوس" با کادر کاردان و هنرمند، چهار اشکوبِ فراخ و جادار دارد. اشکوب همکف جای نمایش ماشین آلات سده ی پیشِ انقلاب صنعتی و بخار است. در اشکوب های دیگر زنجیره ی گوناگون فناوری فضایی، علمی، ماهواره، رسانه، رایانه، هنرهای تزیینی، سفالی و سرامیک نمایش داده می شود.

ساختمان بیش از صد و بیست پنج سال در قالب های گوناگون در هر برهه، نام هایی از جمله صنعتی، بهداشتی و همچنین موزه ی فناوری بر خود داشته است. این موزه چون در ساختمان نخستین کارخانه برق شهر سیدنی بوده به آن موزه "پاور هوس" (کارخانه برق) می گویند. نقشه ی ساختمان آن گسترده است و از این روی گنجایش خوبی برای نمایش بسیاری از بازمانده های کهن از جمله ماشین آلات، پوشش زنان و مردان سده ی گذشته، دستگاه های کامپیوتری از پیدایش تا به امروز، فضانوردی و سفینه از روز نخست پا گذاشتن انسان به کرات دیگر همراه با مجموعه ی ابزار فضایی و تاریخچه ی بسیار خوب تصویری و تلویزیونی همراه با موشک و پرتاب گر، آگاهی های پر ارزشی به کودکان، نوجوانان، جوانان، سالمندان و پژوهشگران می دهد.



در این موزه نه تنها برای خانواده ها و فرزندان بازدیدکننده همه تسهیلات در نظر گرفته شده بلکه در خوراک خوری بسیار پاکیزه و قهوه خانه آن نیز می توان با کیک، چای و قهوه خستگی را زدود و در آن جا ناهار خورد. تاریخچه ی این موزه در سال ۱۹۷۶ میلادی برابر با ۱۳۵٤ هجری برای این برجسته شد که کمیته ی میراث صنعتی استرالیا تصمیم گرفت نیروگاه محله ی "اولتیمو" شهر سیدنی را به محله ی دیگری جا به جا و این ساختمان را در فهرست میراث ملی به ثبت برساند. این تصمیم از آن روی بود که گرداگرد این ساختمان برخی از ساختمان های مهم روزگار دویست ساله ی پس از ورود اروپاییان به استرالیا قرار داشتند. در روزگار کنونی نیز ساختمان این موزه نه تنها در کنار دانشگاه پرآوازه ی تکنولوژی سیدنی که شاخه هایی در بیرون از استرالیا از جمله شهر دوبی در شاخاب پارس دارد و همچنین در کنار آموزشگاه دیرینه ی "تایف" محله ی "اولتیمو" و دانشگاه سیدنی قرار گرفته بلکه به بازار چین (چینا تاون) در مرکز شهر نیز چسبیده است. از سوی دیگر این موزه به ایستگاه های قطار و دیدنی ترین جای سیدنی،



"دارلینگ هاربار" در قلب شهر نیز نزدیک است. درسی که می توان به خوبی از تاریخچه ی ساختمان "پاورهاوس" سیدنی آموخت آینده نگری شهر سازان، شهرداران و سرپرستان دولتی استرالیا است که هرچه زمان رو به جلو می رود ارزش و اهمیت هنری و گردشگری این موزه زیبا را برجسته تر نشان می دهد.

ساختمان موزه ی "پاورهاوس" در هنگام رشد چشمگیر برق شهر و دگرگونی های فناوری و نوآوری تولید برق و نیروگاه بخار از سال های پایانی سده نوزدهم تا میانه ی سده ی بیستم از ساختمان های خوب سیدنی مرکز استان "نیوساوت ویلز" به شمار می رفت. "پاورهاوس" برای تهیه ی برق نخستین تراموا (واگن برقی) در استرالیا و دگرگونی گنجایش واگن های برقی ساخته شد. در پی آن بود که زنجیره ی تراموا در سال های نخست سده ی بیستم، شهر سیدنی را دگرگون و در گسترش شهر و پیرامون آن کارساز افتاد. پیش از آن ترامواها به گونه ی دیگری بودند. در انگلستان سالِ ۱۸۰۷ میلادی و پس از آن در استرالیا تراموا با به کارگیری اسب به حرکت درمی آمدند. اما پس از چندی موتور بخار و پس از آن موتور برقی دیزل و بنزین جای اسب ها را گرفتند و این حیوانات نجات پیدا کردند. چرا که در روزگار گذشته پس از جاگیر شدن اروپایی ها در استرالیا، کار کاروانان و زمام اشتران و گردش بازرگانی به دست ساربانان افغانی گستره فرهنگی نوروز می چرخید.

در موزه ی "پاورهاوس" نه تنها می توان در گردش یکی دو ساعت، از اختراع "توماس پارکر" و سوخت بدون دود "کوالیت" آگاهی یافت، بلکه مستندات تصویری فناوری سال ۱۸۹۵ میلادی گسترش اتومبیل و شمار خودروهای به نمایش گذاشته در این موزه ی زیبا اندیشه ی بیننده را به گذشته ای دور پرواز می دهد.

موزه ی "پاورهاوس" که سال گذشته همزمان با نوروز از روز بیستم ماه مارس هنرهای ایران روزگار قاجار را به نمایش گذاشت و نگارنده گزارشی از آن در رسانه ها بازتاب داد، امسال نیز در کنار کارهای ارزشمند علمی و هنری خود از نوزدهم ماه مارس در سینمای موزه، فیلم بسیار زیبای مستند فرهنگ نوروز در تاجیکستان به زبان پارسی با زیرنویس انگلیسی به نمایش گذاشته است تا بازدیدکنندگان موزه با فرهنگ نوروز در کشورهای سراسر جهان آشنا شوند.

در ساعت دو و نیم پس از ظهر نیز برنامه فستیوال فیلم ایرانی به نام "نوروز ایرانیان" به نمایش در می آید که با توجه به پرآوازه بودن فیلم های ایرانی در فستیوال های جهانی بینندگان بسیاری در سینمای موزه ی "پاورهاوس" سیدنی به تماشای سنن و فرهنگ نوروزی ما ایرانیان می نشینند. فیلم نوروز در تاجیکستان نه تنها برای مردم استرالیا بلکه برای ما ایرانیان نیز ارزشمند است. چرا که از سنت ها حرف به میان می آید و در فیلم با نشان دادن گستره ای از گل های بهاری دشت و دمن، شروه ها، آوازها و رقص هایی شنیده و دیده می شود که حتا در مام نوروز ایران به فراموشی سپرده شده اند.

نگارنده ی این نوشته اعتراف می کند که در سینمای موزه ی "پاورهاوس" بهتر از پیش توانست با فرهنگ نوروز در میان مردم گستره ی این جشن بهاری باستان در تاجیکستان و بخش ها و شهرهای دیگر جهان آشنا بشود. در این سینما نه تنها در پس دیوار آیینه ی آن، تندیس هایی از زنان و مردان که نمایانگر بینندگان سال های نخست رواج سینما هستند هنرمندانه است بلکه سبک چینش صندلی ها نیز تاریخ و روند سینما را به خوبی نمایان می کند.

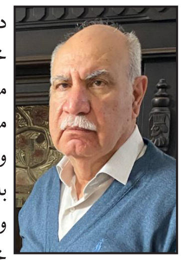


شعر و نیایش نوروزی خردسالان در کنار بزرگسالان تاجیکستان بویژه در خجند و بدخشان بسیار زیبا و دل انگیز است. هماوردی و ورزش بُزکشی که در افغانستان و تاجیکستان و دیگر بخش های گستره ی فرهنگی نوروز برگزار می شود در فیلم به نمایش در می آید. بردن عروس و داماد به خانه ی بخت همراه با اسب دوانی و پایکوبی دختران و پسران جوان با سینی خوراک ها، کلوچه و شیرینی هایی که برای جشن و سنن نوروز پخته می شوند دیدنی و ستودنی است.

نمایش رقص و آواز دختران ابرو کمان خوش تراش دشت و کوهپایه های نوروز در شهرها و کشورهایی که نه تنها جشن شادی بلکه اقتصاد و بازرگانی جاده ابریشم را نیز به جهان پیوند دادند دلچسب، دل انگیز و دیدنی است. فیلم فرهنگی سنن نوروز همراه رقص و سرود و پایکوبی جوانان در این جشن باستان که ریشه در هزاره ها دارد یک بار دیگر ارج و ارزش موزه ی "پاورهاوس" را به شهروندان بازدید کننده که از فرهنگ های و ملیت های سراسر جهان می باشند و هم اکنون با خانواده در سیدنی زندگی می کنند، نشان می دهد.

ضیافت ماه مبارک رمضان در بندر بوشهر قدیم

غلامرضا شریفی خواه



در آن زمان در دهه چهل خورشیدی وقتی که به این ماه عزیز نزدیک می شدیم مردم مؤمن شهر بوشهر و جزیره های اطراف به بازار می آمدند تا آذوقه و مایحتاج یک ماه را خریداری کنند و به استقبال این ماه خدا بروند. بنا به اعتقادی که داشتند عده ای شغلشان را تعطیل و یا نیمه تعطیل می کردند تا توانایی لازم برای عبادت خدا را داشته باشند، مخصوصا کارهایی که با نیروی بدنی همراه بود بطوری که بعضی لنج های باربری به علت نرفتن به سفر، لحام (به گل نشسته) می شدند.

مراسم هایی که در ماه رمضان قبل و بعد از آن انجام می گرفت؛ ابتدا مساجد و حسینیه ها و خانه های قدیمی به کمک اهالی محل برای روضه خوانی نظافت و پاکسازی می شدند. مردم سه روز آخر ماه شعبان را برای صواب به پیشواز می رفتند و روزه می گرفتند که در فصل تابستان برای روزه داران که وسایل خنک کننده ای وجود نداشت بسیار سخت و مشقت بار بود و البته کسانی با پنکه سقفی روز را می گذراندند.

در ماه رمضان همسایه ها که برای افطاری حلویات و یا نان سنتی و یا آش درست می کردند و به خانه همسایه می بردند. برای ساختن نان صبح آرد را در «انجانه خمیری» که ظرفی سفالی به شکل لگن بود خمیر می کردند و بعدازظهر به درست کردن نان محلی به نام «گِرده» و «بَلبَل» که از قدیم الایام مورد علاقه روزه داران بود، می پرداختند و هم چنین کماچ بوشهری نیز خریداری می کردند.

در هنگام عصر هر روز رادیو تهران نمایشنامه ای پخش می کرد به نام «فاجعه رمضان» به نوشته و کارگردانی آقای هوشنگ بشیرنژاد که ایشان در ساختن نمایشنامه رادیویی استاد بود و هنرمندان زیادی وارد این عرصه هنر کرد و اجرای آن درباره «قُطام» و به شهادت رسانیدن مولای متقیان حضرت علی (ع) بود و پرطرفدار بود.

زنده یاد استاد احمد پوصباغ نیز وقت شرعی به افق بندر بوشهر را هر سال تنظیم می کرد. این بزرگوار هر روز قبل از غروب آفتاب در کنار دریا می نشست و با توجه به غروب کردن خورشید، بعد از چند دقیقه اذان مغرب را یاداشت می کرد. البته لازم به هوای صاف داشت و اگر یک روزی هوا نامساعد بود سالی دیگر در جستجوی همان روز می شد و این کار چندین سال شرعی دیگر مشخص می کرد و خود هم در مساجد از جمله در مناره یا گلدسته مسجد پیرزن (فاطمه زهرا) اذان می گفت و قبل از ماه مبارک از طرف خود وقت های شرعی بندر بوشهر در برگه هایی می نوشت و به همشهرهایش هدیه می کرد و مدرس و قاری قرآن کریم و موسس باشگاه ورزشی به نام «نیرومند» بود که هم خود ورزشکار و مربی بود و دکان وسایل ورزشی هم در بازار قدیم داشت. خدا رحمتش کند.

از شب اول ماه رمضان، مومنان برای قرائت و مقابله قرآن به مساجد و اماکن مذهبی رفته و دور هم می نشستند و شبی یک جزء از کتاب آسمانی قرآن با نظارت استاد و همکاری یکدیگر قرائت می کردند. همسایگان ما یکی «بانو آمنه» مادر عباس که شب ها رادیو چوبی بزرگی که در اتاق بالا داشت و به وسیله بلندگوی شیپوری مناجات و دعا پخش می کرد و دیگر آقای مشهدی اسماعیل گراشی که بر بلندای خانه می رفت و با صدا گرم و دلنشین خود اذان و دعا و مناجات می خواند و همه جا در محلات فضای عرفانی به خود گرفته بود.

غذاها در ماه رمضان در تابستان و زمستان تغییراتی داشت. در فصل زمستان روزه داران افطاری خود را با خوردن گلاب نبات و خرما و شیر و نان سنتی و کماچ شروع و بعد با فاصله غذاهای خورشی مانند «تلیت» یا «ترید» میل می کردند و غذاهای سحری سرخ کردنی و یا دمپخت «لخ لاخ» و در گرمای تابستان همراه غذاها، نوشیدنی های خنک و هندوانه بود و در هنگام سحری خوردن، سعی می کردند در آخر خربزه برای رفع تشنگی بخورند.

مادرها هر شب چند ساعتی قبل از اذان صبح غذاهای سحری پخت می کردند و بعد از نماز صبح اکثر خانواده ها دور هم می نشستند و مشغول گفتگو می شدند تا سپیده دم و این عادت برای حالشان بهتر بود. در آن زمان کمتر کسی دارای رادیو و ساعت زنگدار بود به همین جهت دُم دُم سحری سهم بسزایی در بیدار کردن مردم داشت و آن توسط اشخاصی مؤمن و زحمتکش به نام های قوسو (قاسم عبیدی) و مَندو (محمد حسن عبیدی) که این دو برادر از محله شنبدی بودند، نواخته می شد. قوسو (قاسم) باقله فروش معروف بوشهری کاملاً چشم هایش نابینا و برادرش هم چشم های کم سویی داشت و با توجه به فصل های سال باقله و گز آردی و خروس قندی به طور دوره گردی می فروختند. شب ها قبل از اذان صبح برادر بزرگتر (قاسم) دمام بر دوش و با کوبیدن چوب به طور سه ضربی به دمام و با برادر عزیزش چراغ سیمی (چراغ فانوس) در دست در کوچه های تنگ و تاریک محلات و با همراهی یکدیگر اشعار مخصوص بیداری برای سحری می خواندند و برنامه خود را به بهترین شکل انجام می دادند.



نقاشی دُم دُم سحری در بوشهر قدیم
اثر استاد حسین موسوی‌نژاد

دیگر مراسم «گره گشو» بود که یکی از آیین های قدیمی است که به مناسبت تولد امام حسن مجتبی(ع) در شب یازدهم ماه به وسیله کودکان برگزار می شد و آن ها با خواندن اشعار آهنگین به در خانه ها می آمدند و بعد از گرفتن شیرینی و تنقلات برای اعضای آن خانواده طلب روزی و سلامتی می کردند و این رسم تا به امروز هم در بعضی از محلات بوشهر و شهرهای دیگر استان برگزار می شود.

بعد از گذراندن چند شب از ماه رمضان و رسیدن به اواخر آن، مراسم احیاء شب های قدر فرا می رسید که زنده داری در شب های نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم در مساجد و خانوه های روضه خوانی زنان که سابقه دیرینه ای دارد، انجام می شد و مردم مؤمن لباس مشکی پوشیده و با قرائت دعای جوشن کبیر (الغوث، الغوث) برای شهادت امام علی (ع) و همراه با سنج و دمام و سینه زنی و دادن نذورات، عزاداری می کردند و در این شب های روحانی اگر افرادی نسبت به هم کدروتی داشتند سعی می کردند با هم آشتی و دوست شوند.

در آخر ماه وقتی حلول ماه رؤیت می شد مردم آن مقدار فطریه (سر روزه) که قبلاً باخبر شده بودند و کمک به نیازمندان بود، آماده و در نماز عید فطر شرکت می کردند و بعد از ادای نماز عید، گروه دُم دُم سحری به در خانه ها می آمدند و صاحب آن خانه به پاس قدردانی زحمات یک ماه آنان پول نقد و یا شیرینی و آذوقه می دادند.

در آخرین آئین این ماه پر برکت عید تهلو (عید تلخک) می باشد که اگر خانواده ای در طول سال عزیزی از دست رفته داشت، اقوام و دوستان و آشنایان به خانه آنها می رفتند که این کار خداپسندانه باعث تسلی خاطر بازماندگان بود و این مراسم تا ظهر ادامه داشت.

سنگ بُرها در بوشهر

قاسم محمدی باغملایی



اگر در بلندای تاریخ در میان مشاغل بشری سرک بکشیم، شغلی پر مشقت تر و تن تراش تر از شغل سنگ بُری،آن هم در شرایط آب و هوایی این حوزه جغرافیایی از کشورمان نخواهیم یافت.

سحرگاهان، سنگ برُهای محلات سنگی، باغملا، تنگک و سرتل خروس خوان از خواب بر می خاستند، آب گرمی، استکان چای، لقمه نانی و ابزار کار که بیل و منتیل و قمقمه آبش بود، بر دوش می نهاد و راهی معدن سنگ می شد.

بخشی از زمین های سنگی، باغملا، سرتل و تنگک بافت های مرجانی سر سختی داشت که امروزه سنگهای آن بر خانه های بافت قدیم و جدید شهر بوشهر و حتی روستاها و شهرهای دیگر بوشهر می بینیم. سنگ برها برای شکل دادن هر قطعه از این سنگ ها رنج طاقت فرسایی بر خود روا می داشتند.

شاید امروز که بر در و دیوار ساختار بافت قدیم شهر و دیارمان بی تفاوت و بی نگاه از کنار این همه سنگِ برهم چیده، می گذریم، نگاهی مهندسی داشته باشِیم، صدای برخورد منتیل و سنگ را بر تن و وجود هر سنگ ُبر را حس کنیم و خیسی عرق جبین او بر پوسته سخت سنگ ها، ما را به خود آورد،تا بی بها نداریم این ارزش هایی که با زحمت های فراوان پیش روی من و تو رخ نمایی و افتخار آفرینی می کند.

شوق و ذوق به کار و دستاورد روزانه هر سنگ ُبر و امید به فروش آن ، او را وامیداشت از سحرگاه تا نیمروز، در زمستان با آن سوز باد شمالیش و در گرما و شرجی طاقت فرسای تابستانش، با تغذیه نه چندان به دل گیر، چند قطعه سنگی بر هم نهد.

خوشحال وسرمست از دسترنج خود به خانه آید و با ذوق و شوق به خود ببالد که امروز چند قطعه سنگ در آورده ام و چه قدر زیبا بود لبخندی که بر لب اهل وعیال می نشاند و همین لبخند ها بود که روز و روزگار خستگی و تن تراشی خود از سنگ و منتیل را می زدایید. تا که امروز من تو او را در کنار خود بیابیم با دستان لرزان پر از پینه و چشمان کم سو وتنی که دیگر حتی یارای بلند کردن منتیل هم ندارد.

اکنون آیا روز آن نرسیده که با لبخندمان تن خسته از روزگار بیل و منتیل او در سالهای دور پراز امید او را به مهر و بوسه گیریم؟آیا آن روز فرا نرسیده است تا دستان بی پینه خود را در دستان پر پینه اش نهیم به مهر وچشم پر سویمان به چشمان بی سویش نهیم و به او بگوییم که هنوز صدای چکاچک بیل و منتیلت از سنگ درارهای کوی وبرزن روزگارت به گوش می رسد. سنگ های دست رنج تو، نقش بسته بر پیکر هر عمارت و خانه این دیار، گویای هنر تو می باشد که ما امروز به آن افتخار می کنیم.



فروش ۳۴میلیارد ریال محصولات صنایع دستی استان بوشهر در نوروز

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر گفت: به ارزش۳۴ میلیون ریال محصولات صنایع دستی از ۲۵ اسفند ۱۴۰۰ تا ۱۳ فروردین ۱۴۰۱ از سوی صنعتگران این استان به فروش رسید. هم زمان با آغاز تعطیلات نوروزی ۲۴۱ غرفه در قالب ۲۴ بازارچه صنایع‌دستی راه اندازی و صنعت گران و هنرمندان بوشهری تولیدات دستی خود را ارائه کردند.

۱۴۲۵ مسجد استان بوشهر پذیرای روزه‌داران است

معاون فرهنگی، پژوهشی و آموزشی تبلیغات اسلامی استان بوشهر از میزبانی تمام مساجد استان در ماه رمضان خبر داد و گفت: یک هزار و ۴۲۵ مسجد استان بوشهر پذیرای مردم مؤمن و خداجوی استان است. روزه‌داران برای حضور در مساجد باید دستورالعمل‌های بهداشتی را به طور کامل رعایت کنند .

کاهش ۲۶ درصدی سرقت از اماکن خصوصی بوشهر در ایام نوروز

رئیس پلیس آگاهی استان بوشهر از کاهش ۲۶ درصدی سرقت از اماکن خصوصی در ایام نوروز امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داد. وقوع مجموع جرایم سرقت مهمه در تعطیلات نوروز سال جاری در استان بوشهر در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته سه درصد کاهش داشته است.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

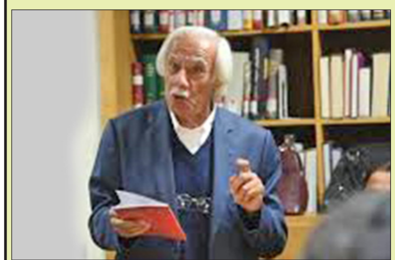
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



چند رباعی از عبدالمجید زنگویی



ازجنس گلی و با بهار آمده ای
سرزنده زعشق و با وقار آمده ای
دنیای و جاحت از حضورت سرشار
غوغایی و شاد و کامکار آمده ای

*

آورد بهار ، گل به پهنای زمین
آهنگ و نوا فکنده در نای زمین
آوای هزار و جلوه ای از نوروز
بیدار و جوان نموده سیمای زمین

*

شیرین بکن ای خدای جان کام زمین
پر کن زشراب معرفت جام زمین
از رنگ و ریا دلش به تنگ آمده است
سرزنده نما و شاد، فرجام زمین

*

ای عشق مرا به خوان خود مهمان کن
افسردگی ام به معجزی درمان کن
خشکیده شده است باغ بختم چندی است
دریاب مرا و فارغ از حرمان کن

*

اندیشه بلند و گفته هایت شیرین
گلچهره پر ازمهر و سرود آنگین
اشعار تو از عشق و بلاغت سرشار
انفاس خوشت نمادی از فروردین

دار دار، نوروز



جواد غلام نژاد جبری: بعد از «ضربه تویبه» ۱۵ روز قبل از عید و ۱۵ روز بعد از نوروز معروف است به «دار دار ، نوروز». منظور از «دار دار» بادهای متغییر با سرعت کم و زیاد ولی به صورت موقت که صبح تا ظهر شمال و مغرب قوس می شود .گاهی باد از ساحل و گاهی از دریا است در این مدت باد ثابت نیست. مدت وزیدن ۲تا ۳ روز است و بعد از شمال ۱تا ۲روز هوا آرام و بعد باز قوس می شود. در طول این یک ماه دو ضربه شمال دیگری هم وجود دارد ضربه اول «عجوز عرب» به معنی «پیرزن عرب» و ضربه دوم «شمال پیرزن» است. ۱یا ۲ روز هم اول عید شمال داریم که معروف به شمال اول عید نوروز است. تا شمال عجوز ۳ تا ۴ روز شمال داریم. ۱تا۲روز قوس ۱تا۲روز شمال است که چهار باد می شود (و باد از چهار طرف می وزد). در این فاصله ۱ ماه وقتی هوای سرد از شمال می آید بالا در مغیب رعد و برق می زند که احتمال «طاف» آمدن زیاد است که در سال های گذاشته خرابی های زیاد آورده، یکی از این خرابی ها مکان سلف سرویس های کنار اسکله جفره را خراب کرد. بعد از ضربه ماهیان به سمت ساحل سرازیر میشوند و باز صید برای صیادان خوب می شود.

(باهمکاری و تشکر از رحمان غاله)

بوشهر و میهمانان نوروزی



ناصر باستی: به تناسب و فراخور این ایام از گستردگی و هجوم کم نظیر میهمانان نوروزی به استان و چگونگی میزبانی استان صحبت‌های زیادی شد که ذکر و یادآوری چند نکته بد نیست:

در همه‌ی سالهای گذشته از ماهها قبل از شروع سال جدید ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی کار خود رو انجام می‌داده و با بسیج تمام ظرفیت‌ها و امکانات استان و بویژه دستگاه های خدمات رسان مثل شهرداری ها و شرکتهای آبفا توزیع نیروی برق و گاز و مراکز درمانی و گردشگری ... و حتی آماده باش مراکز امدادی عدم سهمیه‌بندی آب در ایام عید و افزایش سهمیه آرد و ساعات کار نانوایی‌ها تا تامین ذخیره سازی سوخت و... سعی در ارتقای خدمات عمومی داشته اند، هرچند ظرفیت های استانی با جمعیت ۱۲۰۰۰۰۰نفر طبیعتاً پاسخگوی این حجم از نیازهای عمومی و خدماتی نخواهد بود و هیچ کار متفاوت و شاخصی قابل انجام نمی باشد، اما تصور و القای این نکته که میزبانی استانمان را در نوروز امسال بدون اشاره به شاخص‌های کمی و اعداد و ارقام، در مقایسه با عملکردهای گذشته بسیار متفاوت و ایده آل قلمداد کنیم، خارج از شرط انصاف و واقع بینی است.

این نکته را نیز اضافه می کنم که در شهر بوشهر به عنوان مرکز استان که ویترین عملکردها و فعالیت های خدمات سفر تلقی می‌شود و حتی آماده سازی ظاهری شهر و ارتقای کیفی در چشم اندازها و زیباسازی سیما و مناظر شهری، در این ایام هیچ کاری صورت نگرفته بود.



فضای بسته برای نخبگان ایرانی



دکتر عبداله آورا

گاهی می گوییم فرار مغزها و فرار استعدادها باعث عقب ماندگی کشورمان می شود و باید چاره ای برای پیشگیری از این فرارها انجام دهیم. یک سوال: اگر استعدادها و مغزها فرار نکنند، ما چگونه از آنها استفاده می کنیم؟

مثلا علی دایی یک استعداد واقعی که دنیا هم بابت توانایی‌هایش و استعدادهایش به او احترام می گذارد، از نظر اخلاقی نمونه است، از نظر جوانمردی و اخلاق پهلوانی نمونه است، در کشور مانده است و جایی نرفته است. ما در زمینه تخصصی خودش، از ایشان چه استفاده ای کرده ایم؟ ایشان در اداره فوتبال کشور، چه نقشی دارد؟ اجازه چه کار تخصصی در فدراسیون فوتبال یافته است؟



این نمونه و نمونه های فراوانی مثل عادل فردوسی پور، اساتید برجسته دانشگاهی کشور و ... نشان می‌دهد که با روشهای موجود، ما توانایی و ظرفیت استفاده از استعدادهای کشورمان را در کشور ایجاد نکرده ایم و بهتر است لااقل جلوی استفاده از این استعدادها در جاهای دیگر دنیا نیز سد نکنیم تا حداقل به صورت غیرمستقیم یاریگر کشور و مردم مان باشند.

افزایش فشار اقتصادی با میزان مجاز غیرواقعی آب و برق

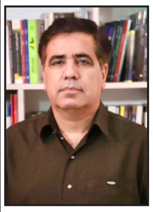
دکتر عبداله آورا: اداره آب در صدد افزایش فشار اقتصادی بر عموم مردم از طریق محاسبه نادرست میزان مجاز مصرف آب خانواده هاست. در اطلاعیه اداره آب ، میزان مجاز مصرف آب با قیمت متعارف ۱۶ متر مکعب در ماه برای هر خانواده است و مصرف بالاتر از آن مشمول جریمه و قیمتهای سنگین برای هر متر مکعب آب میشود.

بر اساس استانداردهای بهداشتی دنیا، کمترین میزان مصرف آب برای هر نفر در شبانه روز در جهت تامین بهداشت فردی، صد و پنجاه لیتر میباشد (صد و پنجاه لیتر و بالاتر)، پس اگر کف مصرف را هم در نظر بگیریم (که برای اقلیم‌های گرم، این عدد قطعا بالاتر خواهد بود) و تعداد نفرات خانواده را هم پنج نفر در نظر بگیریم، میزان مصرف خانواده در روز میشود ۷۵۰ لیتر که ماهانه به حدود ۲۳ متر مکعب می رسد. پس حدود ۷ متر مکعب از مصرف معمول و حداقلی خانواده ها نیز با نحوه محاسبه فعلی، مشمول جریمه و پرداخت قیمت سنگین می شود.

این نحوه محاسبه، قبل از اعمال و صدور قبض های سنگین برای مردم، باید اصلاح شود. ظاهرا شرکت توزیع برق نیز با همین شیوه جهت افزایش فشار اقتصادی بر مردم اقدام کرده و احتمالا قبض های دوره بعدی برق نیز مشکلات زیادی را برای مردم ایجاد خواهد کرد.

سلامی و کلامی... یونس قیصی‌زاده

عمری که به انتظار می‌گذرد



سال‌هاست که ما شده‌ایم مردم در حال انتظار، هر روز را در حالی تمام کرده‌ایم که انتظار داریم روز بعد خبری از بهتر شدن اوضاع برسد، هر شب می‌خوابیم به امید این که فردا مسئولان کشوری تصمیمی سرنوشت ساز بگیرند که به واسطه آن فشارها روی مردم کم شود. سال‌هاست که روز به روز، هر یک سال را با این انتظار به پایان برده‌ایم و سال جدیدی که آمده، باز در انتظار یک خبر خوب و گشایش اوضاع و عوض شدن احوال مانده‌ایم. همه این سال‌ها ما شده‌ایم مردم در حال انتظار که این که بالاخره طوری شود که احوال‌مان بهتر و اوضاعمان سر و سامان بگیرد.

اما نه تنها این انتظارات تمام نشده که سال به سال هم اوضاع خراب‌تر شده بطوری که در پی همه این سال‌ها کشور به واسطه تشدید تحریم‌ها؛ با رشد اقتصادی منفی، کاهش رشد سرمایه‌گذاری، افزایش خروج سرمایه، جهش‌های بزرگ ارزی، کاهش شدید درآمدهای نفتی، تورم کم سابقه و ... روبرو شده و می‌توان گفت در یک دهه اخیر کشور رشد اقتصادی را به خود ندیده است و از این رو شاهد دو برابر شدن فقرا و زندگی ۲۳ میلیون نفر فقیر در کشور هستیم و نتیجه همه اینها؛ جامعه‌ای سرشار از بحران‌های انباشته شده، ظرفیت‌های از دست رفته، ناهنجاری های اجتماعی و روانی بسیار و صبرهای در حال لبریزاست.

با این که همچنان انتظار رفع تحریم‌ها هستیم، برای این که وضعیت وخیم بحران پیش آمده را درک کنیم، به هشدار اقتصاددان‌ها توجه کنیم که می‌گویند اگر دولتمردان شاخ مار را بشکنند و بتوانند به رشد اقتصادی مثبت میانگین سالانه سه درصد برسند، حدود بیست سال طول می‌کشد تا تازه برسیم به سطح درآمد سرانه سال نود، یعنی ده سالی که گذشت و منتظر بودیم اوضاع بهتر شود، بجای این که پیشرفت کنیم به اندازه بیست سال عقب افتادیم.

تحریم‌های کمرشکن و فساد سازمان یافته و سوءمدیریت‌های فراوان و مافیای قوی و رانت خواری‌های کلان و... کاری بر سر مردم و کشور آورده که می‌گوییم هر سال دریغ از پارسال و البته پارسالش هم تعریفی نداشته است.

دیگر فشار اقتصادی، مستقیم به سفره قشر کم درآمد رسیده و دولت در تامین نیازهای اولیه معیشتی هم به مشکل برخورده و همان نان و پنیر و ماست سر سفره هم دارد از دسترس اقشار کم درآمد خارج و در سفره آن ها کمیاب می‌شود. فکر نکنید که مشکلات عظیم اقتصادی کشور با برداشتن بیشتر از جیب مردم بوسیله گران کردن اجناس و رها کردن تورم و افزایش مالیات و عوارض و... رفع می‌شود که همه این ها را مردم تا جایی می‌توانند تحمل کنند که هنوز انتظار یک اتفاق اساسی و خوب از جمله احیای برجام و برداشتن تحریم‌ها در کشور را دارند.

امیدواریم این سال جدید بالاخره این انتظار بسر آید و اتفاقات خوب رخ دهد و به سمت گرفتن تصمیمات مهم برای منافع ملی و اتخاذ سیاست گذاری‌های مردمی بروند تا اوضاع مردم هم به نحو احسن و نیکوترین حال خوب شود و یزدان گرداننده مهر و سپهر، برترینش کند برایمان این زمان و ایران زمین عزیز را.